



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

وقف از نگاه فقه و حقوق موضوعه و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

سارا رستمی^{۱*}

۱. استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از موضوعات در عصر مدرن سنت وقف است. هدف آن پویا نمودن وقف در جامعه به عنوان میراثی ماندگار برای آیندگان در جامعه و کارکردهای اقتصادی زیادی همچون کاهش فقر می‌باشد.

مواد و روش‌ها: شیوه روش تحقیق بصورت توصیفی تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات می‌باشد.

یافته‌ها: وقف از اعمال حقوقی، نیازمند به اراده و به دو دسته عقد و ایقاع تقسیم می‌شود و از حیث ماهیت حقوقی اختلاف در این است که: عقد است یا ایقاع؟ درباره مالکیت مال موقوفه، عده‌ای از فقها واقف را مالک، برخی عین موقوفه را متعلق به موقوف علیه / علیهم و بعضی هم خدا را مالک مال موقوفه می‌دانند. بنابراین؛ وقف، عقد است و حقوق مدنی ایران و فقه امامیه در خصوص وقف با هم اختلافی ندارند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: وقف از صدقات جاریه، امور مستحبی و از مسائل جدید، وقف سهام و پول است که اولاً؛ با ادله قوی وقف مالیت (پول) را می‌پذیریم. ثانیاً؛ پذیرش شرط بقای اصل در موقوفه است. وقف پول دارای کارکردهای اقتصادی زیادی همچون کاهش فقر در جامعه، ایجاد اشتغال و سرمایه‌های بسیار در جامعه می‌باشد. برای اجرایی شدن وقف پول می‌توان از طریق بانک وقف پول، صندوق وقف قرض‌الحسنه و صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف اقدام نمود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۴-۱۴۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

وقف، حقوق، مالکیت، اقتصاد، مال موقوفه.

نویسنده مسوول:

سارا رستمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق و علوم اجتماعی.

تلفن:

۰۹۳۵۳۹۱۹۴۳۷

کد ارکید:

0000-0003-0672-3616

پست الکترونیک:

Mpj.rostami@yahoo.com

۱. مقدمه

فرضیه پژوهش: آشنا ساختن مخاطبان با وقف از منظر فقه و حقوق موضوعه به عنوان میراثی ماندگار، صدقه‌ای جاوید به نام (وقف) است که در گذشته‌های بسیار دور و در تمدن‌های کهن ریشه دارد.

و در ادامه سوال پژوهش این است که: نقش و تأثیر وقف در اقتصاد ایران به چه صورت می‌باشد؟ و چه راهکارایی وجود دارد؟ باید بیان کرد که وقف به عنوان آیین نیک و کهن با ظهور اسلام، رونقی دیگر یافت و ضرورت دارد با تأسی از جهان‌بینی اسلامی و پشتوانه احکام شرعی به صورتی استوار در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و اقتصادی به مسیر خود ادامه دهد. دین مبین اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است، وقف را با عنوان (صدقه جاریه) تأیید و قانون‌مند کرد. امروزه در سراسر دنیا و در همه فرهنگ‌ها، سنت حسنه وقف را پدیده‌ای سودمند می‌دانند و کم و بیش از موقوفات استفاده می‌کنند. نوآوری این نوشتار، وقف را از زوایای مختلف حقوقی، فقهی و اقتصادی و کارکردهای آن و نقش و تأثیر مالی وقف در اقتصاد جامعه و کمک کردن به افراد و ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه، کارآمد بودن آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

خداوند سبحان در آیات گوناگونی، مؤمنان را به پرداختن صدقه و انفاق مال ترغیب می‌نماید تا از این راه بتوانند سعادت آخرت خویش را فراهم کنند. صدقات در اسلام یا واجب. یا مستحب. یکی از مطلوب‌ترین صدقات، وقف است که در مقایسه با دیگر صدقات از ویژگی جاری و استمرار داشتن پاداش برای وقف بنابر قرآن و اهل سنت، صدقات از جمله وقف. توشه‌ای برای آخرت و خشنودی خداوند را در پی دارد. با احیای وقف، مشکل اقتصادی نیازمندان مرتفع می‌شود.

در ادوار گذشته، نیکوکاران بسیاری به این سنت نیک روی آورده و موقوفاتی را از خود به جای گذاشته‌اند. امروزه سنت وقف مورد کم لطفی قرار گرفته است و افراد کمی وجود دارد که تمایل داشته باشند بخشی از اموال خود را برای برطرف کردن مشکل اقتصادی افراد نیازمند اختصاص دهند تا از آثار اخروی و دنیوی وقف مانند: برکت در مال، خشنودی خدا، عاقبت به خیری، برخورداری از دعای خیر دیگران و جاوید ماندن نام بهره‌مند شود. در صورتی که وقف می‌تواند کاربردهای بسیاری داشته باشد از جمله: تحقق عدالت اجتماعی، استقلال، شکوفایی اقتصادی و فقرزدایی از جامعه. از جمله وظایف متولیان امور فرهنگی جامعه این است که در آسیب‌شناسی وقف نقش مؤثری داشته باشند و با شناخت عوامل و ارائه راهکارهای مفید این حسنه الهی مورد بی‌مهری قرار نگیرد و این فضیلت در جامعه احیاء شود (خلخال، ۱۴۲۷، ۳۲۴).

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که؛ در وقف، نه واقف و نه آنها که برایشان وقف شده، حق فروش یا بخشیدن مال وقفی را ندارند. اعمال حقوقی شامل دو دسته عقد و ایقاع می‌باشند، در بین فقها درباره ماهیت حقوقی وقف از این حیث که عقد یا ایقاع است، اختلاف نظر وجود دارد می‌توان به این نتیجه رسید که: ۱. وقف، عقد است و ایقاع نمی‌باشد ۲. با تثبیت وقف، شخصیت حقوقی جدیدی شکل می‌گیرد که مالک مال موقوفه می‌باشد. بنابراین در قانون مدنی و فقه امامیه هر دو با هم در این نظر مشترک می‌باشند. از مطالعات به عمل آمده می‌توان ادعای صورت گرفته در مورد وقف پول را مورد پذیرش قرار داد. زیرا: اولاً؛ دلیلی متقاضی همانند استناد به اطلاعاتی مانند (الوقوف تکون علی حسب ما یوقفها اهلها) موجود می‌باشد. ثانیاً؛ با ادله قوی وقف مالیت را می‌پذیریم و پذیرش وقف مالیت معادل پذیرش وقف پول است. زیرا که وقف پول چیزی جز وقف مالیت نمی‌باشد. ثالثاً؛ پذیرش شرط بقای اصل در موقوفه، دلیل عرفی قرینه‌ای بر این موضوع می‌باشد که در وقف پول اصل باقی می‌ماند و بنابراین شامل دلیل حبس الاصل و سبل الثمره می‌شود.

۵. بحث

در ابتدا مبانی و مفاهیم وقف، شرایط و ارکان وقف مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. سپس اقسام وقف مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و در ادامه به آثار اقتصادی وقف در جامعه خواهیم پرداخت.

۵-۱. معنی لغوی وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، توقف کردن و درنگ کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۴۵، ۲۳۴). در اصطلاح، عبارت است از: (نگه داشتن و حبس کردن اصل و عینِ ملکی مانند خانه، زمین و... و متوقف کردن آن از هر گونه خرید و فروش، هبه (هدیه)، ارث و...، به غیر از مواردی که مستثنی شده، به طوری که خود آن ملک همواره باقی بماند و منافع آن در راه خداوند با نظر واقف به مصرف عموم مردم یا عده‌ای خاص برسد. از آنجا که وقف، مصداق صدقه و دربردارنده ویژگی دوام و جاودانگی است، در احادیث و کتاب‌های فقهی، گاهی از آن با نام (صدقه جاریه) یاد شده است (شهید ثانی، ۱۳۷۵، ۳۹۸).

۵-۲. معنی اصطلاحی وقف

(۱) **انتفاع:** انتفاع در کلمه به معنای سود بردن و منفعت یافتن می‌باشد (ریگی، ۱۳۷۴، ۶۰۰). و در اصطلاح حقی می‌باشد که به موجب آن می‌توان از ملک دیگری استفاده نمود ولی قادر نخواهیم بود آن را به شخص دیگر (غیر از مالک؛ نفر سوم) انتقال

با ذکر زمان مشخص و موافق با نظر واقف تعیین می‌نمایند (شهبازی، ۱۳۴۳، ۳).

۴) **موقوف علیه:** بهره‌مند از موقوفه؛ کسی که منافع موقوفه مختص اوست و حق انتفاع از مال یا ملک وقفی را دارا می‌باشد. موقوف علیه امکان دارد شخص یا اشخاص حقیقی باشد، مانند: وقف زمینی به نفع اهالی روستا یا امکان دارد موقوف علیه اشخاص حقوقی باشد، مانند: وقف قطعه زمینی برای درمانگاه.

۵) **واقف:** وقف‌کننده؛ فردی که بخشی از اموال و املاکش را در راه خدا، با قصد نزدیکی به خدا و در جهت رضای الهی وقف می‌نماید تا دیگران، موافق با اراده او از آن موقوفه بهره‌مند بشوند.

۳-۵. ارکان وقف

وقف از سه رکن تشکیل می‌شود:

- واقف.

- موقوف علیه.

- عین موقوفه.

برای انجام شدن وقف باید هر سه شرط وجود داشته باشد تا وقف بصورت قانونی و شرعی تحقق یابد، به بیانی دیگر این شرایط سه‌گانه و ارکان وقف شرایط صحت وقف است.

۴-۵. شرایط واقف

واقف باید اهلیت قانونی باشد. اهلیت شرعی و قانونی عبارت از بلوغ، عقل، قصد و رضا است که این خصوصیات، شرایط عمومی هر عقد و ایقاع محسوب می‌شود.

بدهیم. انتفاع، نوعی منفعت غیرمادی می‌باشد، باید بیان کرد که در مورد منفعت، تملیک (انتقال ملک) صورت می‌گیرد، اما درباره انتفاع، تملیک انجام نمی‌شود (شیبانی، ۱۳۸۰، ۱۴۹)؛ یعنی صاحب حق انتفاع می‌تواند بهره‌برداری نماید و نمی‌تواند به غیر واگذار نماید. در موقوفاتی همانند مسجد و مدرسه، بهره‌مندان از موقوفه، فقط مالک انتفاع موقوفه خواهند شد و مالک منفعت آن نمی‌باشند (انصاری، ۱۳۸۰، ۵۴). منظور از منفعت و سود در وقف، سود مال یا ملک است؛ اگر مادی باشد، همانند شیر گاو و اگر غیرمادی باشد، همانند سود و بهره‌ای که مستأجر از مغازه می‌برد. در منفعت واگذاری و انتقال مالکیت جایز است.

۲) **رقبه:** زمین و ملکی که به شخصی واگذار می‌شود تا هنگامی که زنده هست از آن استفاده می‌کند. در زبان فارسی از دوره صفویه به بعد (رقبه) استفاده می‌شود به معنی چند تا روستای واقع در یک ناحیه و بویژه روستاهایی که تشکیل یک واحد از املاک موقوفه را می‌دهند.

رقبه در وقف؛ عبارت از واحد غیرمنقولی و ملکی که هر مکان مذهبی یا موقوفه می‌تواند آن را دارا باشد. مکان‌های تجاری مسجدها جزء رقبه هستند و سازمان اوقاف عهده‌دار اداره آنها می‌باشد. بنابراین هر شخص یا واحدی از املاک متعلق به موقوفه شامل رقبه می‌باشد.

۳) **متولی:** کسی است که واقف در وقف‌نامه یا هنگام وقف نمودن، با مشخصات فردی و ویژگی‌های معینی وی را جهت اداره عین موقوفه

غیرمملوک را وقف کرد، نسبت به آنچه مملوک وی نبوده، صحت و درستی آن منوط به اجازه مالک است و اگر مالک قسمت فضولی اجازه نداد، وقف نسبت به آن باطل خواهد بود.

۵-۵. شرایط موقوف علیه

ابتدا باید بحث موقوف علیه را از منظر شرع و قانون مشخص کرد. معنی موقوف علیه آن است که: شخصی می‌باشد که حق استفاده از منافع موقوفه با ضوابط مشخص به وی واگذار می‌شود. موقوف علیه می‌بایست دارای سه شرط باشد:

۱- موقوف علیه موجود باشد.

منظور از اینکه موقوف علیه باید در زمان عقد وقف، باید موجودیت داشته باشد. بنابراین در ابتدای امر وقف بر معدوم صحیح نیست؛ به عنوان مثال، وقف بر شخصی که در آینده متولد می‌شود یا فردی که در زمان وقف نمودن فوت کند، درست نمی‌باشد. اما وقف بر چیز معدوم به فرض و گمان اینکه موجود است، درست است. البته شرط آن است که معدوم در طول باشد و در عرض آن نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۵۶).

به عنوان نمونه، وقف بر شخصی که زنده است و نیز وقف بر فرزندان وی که در آینده خواهند بود - هرچه پایین‌تر برود - درست می‌باشد زیرا در طول هم هستند، ولی وقف نمودن بر فردی که زنده است ولی برادر یا خواهر او در زمان عقد وقف نمی‌باشند، نسبت به بخش عدم آن (موجود نیست)، باطل است. در آن بخش که زنده و موجود بوده است،

واقف باید اهلیت داشته باشد و ماده ۵۷ ق.م. بیان می‌دارد که: (واقف باید دارای اهلیت و دارای مالی باشد که وقف می‌کند و مضاف بر اینکه دارای اهلیت نیز باشد تا معامله صحیح باشد)، اهلیت در ماده‌های ۲۱۰ و ۲۱۳ ق.م. اینگونه آمده است: (دو طرف معامله باید دارای اهلیت باشند) و دیگر اینکه (معامله محجورین نافذ نیست). دیگر آنکه در قانون و شرع، واقف لازم است که مالک عین چیزی که وقف نموده است نیز باشد. در فقه امامیه اهلیت و مالک بودن کسی که وقف می‌نماید لازم می‌باشد و در این مورد قانون مدنی از فقه امامیه تبعیت می‌کند.

نمی‌توان تصور کرد که وقف فضولی درست نمی‌باشد اگر شرط، مالکیت واقف باشد. از منظر برخی از فقهای اسلام، وقف فضولی درست نیست، اما از دیدگاه ق.م. قادر نخواهیم بود، درست نبودن وقف فضولی را نتیجه بگیریم. زیرا در ماده مذکور، وقف فضولی نافذ نمی‌باشد؛ ولی بیع فضولی صحیح و غیرنافذ می‌باشد و با اجازه مالک نافذ و صحیح می‌شود (امامی، ۱۳۸۸، ۵۶).

می‌توان بیان داشت که: در بخش بیع ق.م. یکی از شروط بایع را مالکیت مبیع قرار می‌دهد. اما دلیل کافی واقع نشدن بیع نمی‌باشد و صرفاً نافذ نبودن بیع را می‌رساند که آن هم با اذن مالک، صحیح و نافذ می‌شود. بر اساس ماده ۶۵ قانون مدنی، (صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف، واقع شده باشد، منوط به اجازه دیان (طلبکاران) است). ولی جایز و نافذ بودن وقف فضولی وابسته به اجازه مالک می‌باشد و اگر واقف در یک عقد، مملوک و

(وقف بر مجهول بطلان این است که تملیک به غیرمشخص و مجهول امکان ندارد، صحیح نیست) (امامی، ۱۳۸۸، ۲۴۵).

۳- موقوف علیه اهلیت تملک داشته باشد.

موقوف علیه باید بتواند از نظر قانونش و شرعی ملک را تملک نماید. در واقع این شرط صحیح است؛ زیرا عقلاً کسی که نتواند به هر دلیلی مالی را تملک کند. بنابراین وقف بر شخص خارجی از این دیدگاه وابسته است بر اینکه قانون حق مالکیت برای فرد خارجی قائل شده باشد یا خیر؟ از منظر فقهی وقف بر خارجی مسلمان صحیح است و نیز وقف بر مصالح عامه مانند معابر، راهها و... از نظر فقه و قانون درست است؛ زیرا در حقیقت بر مسلمانان و اهل کتاب وقف شده است (همان، ۲۵۰).

۵-۶. شرایط عین موقوفه

موردی که وقف می‌شود یا موقوفه می‌بایست مالی باشد که با بقای عین از آن بتوان نفع برد. به عبارت بهتر عین موقوفه باید ۴ شرط داشته باشد:

عین آن باشد نه منفعت یا دین

ملک کسی که وقف می‌کند باشد نه ملک دیگری.

با بقای عین بتوان از آن انتفاع برد.

به قبض دادن آن ممکن باشد.

در تفسیر این مباحث باید گفت که موقوفه باید مال باشد و فرقی بین منقول، غیرمنقول، مفروز و مشاع آن وجود ندارد. افزاز به معنای جداسازی و مستقل شدن بوده و ملک مفروز به معنای ملکی است که

درست می‌باشد. علت آن این است که خواهر و برادر در عرض و تابع هم نمی‌باشند.

و بالطبع آن؛ آیا وقف بر جنین موجود در شکم مادر صحیح است یا خیر؟ بعضی از فقها آن را صحیح نمی‌دانند، زیرا اهلیت تملک ندارد و عده‌ای آن را صحیح می‌پندارند بشرط اینکه نوزاد زنده متولد شود. همین موضوع در مورد ارث جنین مطرح است بشرط زنده متولد شدن آن. در وقف هم اینکه ابتدا موقوف علیه قرار گیرد اشکالی بوجود نمی‌آید. قانون مدنی جنین را بشرط زنده ماندن موجود می‌پندارد و آن را از تمام حقوق مدنی برخوردار می‌داند (ماده ۹۵۷).

وقف بر معدوم را به واسطه اینکه موجود باشد، صحیح می‌داند و نیز ماده ۶۹ ق.م.ق.م (همچنین ق.م.می فرماید: (وقف کردن بر معدوم جایز نیست؛ مگر اینکه به تبع موجود). موضوع دیگری که باید مورد عنایت قرار گیرد، این است که شرط موجود بودن موقوف علیه؛ در وقف عام و خاص معتبر است؛ به عنوان نمونه، اگر واقف بر دانشجویان شهری مشخص، مالی را وقف نماید که در زمان وقف، آن شهر دانشجویی نداشته باشد، آن وقف باطل می‌باشد (همان، ۲۶۵).

۲- موقوف علیه معین باشد.

بدین صورت است که موقوف علیه نامعین نبوده و اسم و خصوصیات آن کاملاً واضح باشد. بنابراین وقف دو نفر، بدون اینکه معین شده و اگر امکان تشخیص آن معلوم باشد، وقف درست است ولی اگر وقف بر یکی از معابر یا مساجد بدون اینکه معین شده باشد، باطل است؛ دلیل ماده ۷۱ ق.م.می گوید:

صاحب مالک مورد وقف باشد، این می‌باشد که صحت و نافذ بودن بیع فضولی وابسته به اذن مالک اصلی مال باشد تا وقف فضولی درست باشد.

۵-۸. غیرممکن بودن وقف مال غیرقابل قبض

مقصود این است که امکان به قبض دادن مال وجود داشته باشد و مالی که نتوان آن را قبض نمود را نمی‌توان وقف نمود. تفاوتی وجود ندارد که طبیعت مال مانند: دین و منفعت را نتوان قبض کرد یا اینکه بر اثر حادثه‌ای مالک امکان قبض آن را نداشته باشد مانند: مال غرق یا غصب شده.

اما زمانی که موقوف علیه قادر به قبض آن باشد، اگرچه واقف توانایی اقباض آن را نداشته باشد، وقف درست است و اگر مال در تصرف موقوف علیه غاصبانه باشد، همان تصرف مال کفایت می‌کند و اگر شخص وقف‌کننده تصمیم به تصرف آن بگیرد، قبض صورت می‌گیرد؛ اگرچه خود غاصب ندانسته یا تصمیم به آن نداشته باشد. همچنین ممکن است درباره مال غرق‌شده، موقوف علیه توان داشته باشد آن را نجات و تصرف نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۵۶).

باید بیان کرد که؛ مالک قادر نخواهد بود اموالی را که برای فرد دیگری است، وقف نماید؛ بطور مثال: اگر مالی در رهن می‌باشد یا اموال شخص ورشکسته که متعلق به طلبکاران است را قادر نخواهد بود وقف نماید. زیرا باعث تضییع حق طلبکاران می‌شود. قاعده وقف آن است که: مالی باشد که با بقای عین آن قادر باشیم از منافع قانونی و مشروع آن استفاده نمود. موارد یاد شده در ق.م.

به لحاظ مالکیت استقلال یافته و مشخصاً ملک فرد خاصی به حساب آید (صادقی، ۱۳۸۷، ۸۶).

بنابراین وقف همه اقسام اموال ذکر شده در صورت امکان انتفاع از آن با بقای عین مال صحیح می‌باشد. ماده ۶۹ ق.م.بیان می‌دارد: (وقف بر معدوم جایز نمی‌باشد مگر به تبع موجود). بنابراین مقصود از این شرط، ممکن بودن انتفاع از عین موقوفه باشد انتفاع بالفعل نباشد؛ به عنوان مثال: زمینی را می‌توان وقف کرد که: هیچ بنا و زراعتی در آن صورت نگرفته باشد و بتوان در آینده از آن انتفاع برد. دیگر آنکه؛ نباید این تصور بوجود آید که باید بیشتر چیزهایی که وقف می‌شوند غیرمنقول و مفروز باشد و امکان وقف برای مال مشاع و مال منقول وجود ندارد. بلکه می‌توانیم مال مشاع و غیرمفروز را وقف نمود و نیز وقف مال منقولی که قادر باشیم با بقای عین از آن بهره ببریم.

۵-۷. حق انتفاع یا دین را نمی‌توان وقف کرد

مقصود از اینکه مورد وقف باید موجود و عین باشد در مقابل آن دین یا حق انتفاع را قادر نخواهیم بود وقف نمائیم. زیرا امکان استفاده از دین وجود ندارد و حق انتفاع نیز با استفاده از بین می‌رود؛ به عنوان نمونه، اگر فردی منزلی را به مدت ۲ یا ۱۰ سال اجاره نماید، مستأجر قادر نخواهد بود حق انتفاع خود از مال الاجاره را وقف نماید. زیرا در اجاره کردن فقط مستأجر مالک حق انتفاع است و اگر آن را وقف نماید، استفاده از حق انتفاع باعث می‌شود که کم‌کم از بین برود و مالی دیگر باقی نماند (امامی، ۱۳۸۸، ۱۲۶). منظور از این که واقف،

محقق می‌شود. مسجدی را بنا می‌کند و اذن نماز در آن می‌دهد و عملاً اقامه نماز در آن می‌شود، کافی از مسجد شدن آن مکان است. نهایت در مورد مسجد علاوه بر انشا فعلی باید از اول بنا نیست مسجد کند، اگر بنایی ملک او باشد و نیت مسجد کند و نماز در آن بگذارد بدون اجرای صیغه مسجد محل اشکال است. همچنین است در مورد کاروان سرا و پل (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، مسئله ۵).

۵-۹-۲. وقف بر معدوم

به اتفاق فقها وقف بر معدوم باطل است، چه با علم به اینکه معدوم است یا به خیال اینکه موجود است مانند اینکه واقف با خیال زنده بودن پدرش چیزی را وقف کند بعد معلوم شود که حین وقف وفات کرده است. در صورتی که موجود و معدوم هر دو مورد وقف باشند، نسبت به سهم معدوم باطل و نسبت به سهم موجود صحیح است. مثل اینکه بر دو برادر خود وقف کند، لکن یکی فوت کرده و دیگری زنده باشد. وقف بر زنده صحیح و بر مرده باطل است (شیروانی، ۱۳۹۹، ۸۷). دو ماده ۶۹ و ۷۰ را با هم ملاحظه می‌کنیم و ادامه بحث را پی می‌گیریم. ماده ۶۹ قانون مدنی: (وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود). ماده ۷۰ ق.م: (اگر وقف بر موجود و معدوم با هم واقع شود نسبت به جزء موجود صحیح و نسبت به جزء معدوم باطل است). مانند اینکه وقف کند بر شخص زنده سپس بر پدر مرده او سپس بر اولاد آن شخص زنده که هستند، نسبت بر پدر و اولاد آن شخص صحیح

ماده‌های ۵۸ و ۶۷ در مورد عین موقوفه آمده است. بر اساس ماده ۵۸ قانون مدنی، (وقف مالی فقط جایز است که با بقای عین بتوان از آن استفاده و نفع برد؛ شامل: منقول، غیرمنقول، مشاع و یا مفروز می‌باشد). همچنین قانون‌گذار در ماده ۶۷ بیان می‌دارد: (مالی که امکان قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقف آن باطل است اما اگر واقف، تنها قادر بر اقباض آن نباشد و موقوف علیه، قادر به اخذ آن باشد، درست است).

۵-۹-۱. اقسام وقف

۵-۹-۱-۱. وقف معاطاتی

در وقف، صیغه وقف معتبر است و آن به هر لفظی است که انشا معنی مذکور نماید. مثل وقف کردم، حبس نمودم و تسبیل نمودم و صدقه قرار دادم. اگر با قرینه بر اراده وقف همراه باشد صدقه همیشگی قرارداد به طوری که قابل فروش و هبه نباشد، لزومی ندارد که به صیغه عربی یا زمان ماضی باشد، بلکه اگر به صورت جمله اسمیه ایراد کند «هذا وقف» این وقف است و کافی می‌باشد. لزوم صیغه در وقف به معنای عدم صحت معاطاتی نیست، بلکه به این معنی است که اگر اراده انشا لفظی داشت، با هر لفظی که دال بر انشا مذکور بود، صحیح است.

چون ظهور عرفی کافی است. اصالت ظهور اعم از اصالت حقیقت است (فیض، ۱۳۷۳، ۱۱). اگر بگویید شیر شجاعی را در حال شلیک دیدم، معلوم است که منظور انسان شجاع است اگر چه کلمه شیر حقیقت در حیوان است. وقف معاطاتی با انشا فعلی

۵-۹-۴. وقف بر نفس

از شرایط صحت وقف نفس آن است که واقف خودش را از آن خارج کند پس اگر آن را به خودش وقف نماید، صحیح نمی‌باشد و اگر بر خود و دیگری وقف نماید، چنانچه به طور اشتراکی باشد، نسبت به خودش باطل می‌باشد و نسبت به دیگر خیر. در تحریرالوسیله آمده است بطلان وقف بر نفس نزد امامیه اجماعی است اگر چه این اجماع مدرکی باشد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ۲۸۹). برخی استدلال کرده‌اند که وقف تملیک عین و منفعت بر موقوف علیه است و تملیک از سوی مالک خودش تحصیل حاصل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۶۲). اگر بر غیر خودش مانند فرزندان یا فقرا وقف کند و شرط کند موقوف علیه قرض‌هایش را بپردازد. بنابر این، اگر واجب مالی فرد را مانند زکات و خمس بپردازد یا از غله وقف مخارج شخص را بدهد صحیح نمی‌باشد و این نوع وقف باطل است. و موارد ذکر شده در صورتی است که شرط مذکور به وقف بر خودش باشد و اما اگر شرط به موقوف علیهم باشد به اینکه آنچه بر اوست را ادا کند یا بر او از منافع وقفی که بر آنها می‌شود، انفاق نماید، بنابر اقوی صحیح است. چنانچه استثناء مقدار آنچه که از منافع وقف بر عهده اوست (و بدهکار است)، و اینگونه وقف، صحیح است و در صورت باطل بودن شرط، صورها مختلف است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ۲۷۸). وقف بر اولاد، اقوام، خدمه و امثال آنها صحیح است. یکی از مباحث نوپدید وقف، (وقف سهام) است که در این بخش به

نیست و وقف نسبت به خود او صحیح است. مضاف بر اینکه مقصود از معدوم، معدومی است که امکان وجود نداشته باشد مانند شخصی متوفی که امکان حیات آن محال است و در صورت امکان وجود اولاد و اولاد اولاد که ممکن است بعداً به وجود آیند، معدوم محسوب نمی‌شوند و در صورت اضافه شدن به موجود مانند آنکه وقف کند بر شخص موجود و فرزندان او که هنوز متولد نشده‌اند، درست و صحیح است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۴۲).

۵-۹-۳. وقف بر مجهول

وقف بدون ذکر اسم و وصف و خصوصیات به نحوی که نتوان موقوف علیه را معین کرد یا وقف بر یکی از چند نفر که موقوف علیه در شک و تردید باشد، وقف بر مجهول می‌باشد. حکم وقف بر مجهول بطلان است (مغنیه، ۱۳۹۴، ۶۰). البته وقف مجهول المصرف با وقف مجهول متفاوت است. وقف مجهول المصرف صحیح است که ماده ۹۱ حکم آن را معین نموده است و وقف بر مجهول باطل است که ماده ۷۱ آن را معین کرده است. هر دو ماده را می‌آوریم. ماده ۷۱ قانون مدنی: (وقف بر مجهول صحیح نیست). ماده ۹۱ قانون مدنی: در موارد زیر منافع موقوفات عامه صرف موارد عمومی خواهد شد: (۱) اگر منافع موقوفه مصرف آن معین نباشد مگر اینکه قدر متیقنی وجود داشته باشد. ۲) اگر که مصرف منافع موقوفه در مورد مخصوصی که واقف معین نموده باشد، مشکل باشد).

فروش می‌باشد و دوماً قبل از وقف قابل واگذاری می‌باشد ولی اوراق وقف قابلیت خرید و فروش را ندارند و باید بعد از ایجاد سهام به صورت وقف توزیع شوند در غیر این صورت از نوع وقف دین و کاری است که درستی آن با اشکال‌های بسیاری مواجه می‌باشد (خلخالی، ۱۴۲۷، ۱۵۰). خلاصه اینکه اوراق سهام قدرت جذب نقدینگی بخش خصوصی و کاهش کسری بودجه دولتی و کاهش تصدی‌گری دولتی و گسترش بخش عمومی که توسط مردم اداره می‌شود را یکجا دارا می‌باشد.

ائمه ما در طول حیات خود اموال بسیاری را وقف نموده‌اند. در روایات از موقوفات حضرت فاطمه (س)، امیرالمومنین علی (ع)، موسی بن جعفر (ع) نام برده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ۱۹۱-۱۸۵-۲۰۸-۱۹۸). وقف به عنوان صدقه جاریه در طول زمان تا زمان بقای آن در دنیا و آخرت آثار زیاد و به اضعاف مضاعف ثواب و خیر و برکت دارد. اموال موقوفه چنانکه گذشت باید اصل آن محفوظ و منافع آن مورد استفاده قرار گیرد. راه‌هایی توسط برخی صاحب‌نظران ارائه شده است که می‌توان با استفاده از آنها موقوفات را در بازار سرمایه به کار انداخت، البته از نظر حقوقی و فقهی باید توجیه و تأیید داشته باشد. بازار، دولت، خیرات و مبرات سه بخش اصلی اقتصاد است. اقتصاد بخش سوم ساحت طرح مبحث وقف و از جمله سهام وقف است. این بخش در رفع محرومیت و فقر، ایجاد اشتغال، تولید کالاهای عمومی و کلاً توسعه اسلامی مورد نظر را سریع‌تر تحقق می‌بخشد. بازار سرمایه نهادی است که در آن نقدینگی تبدیل به سرمایه تولیدی

آن پرداخته و گزارشی علمی ارائه می‌گردد و وقف پول هم بعد از تحریر بخش دیگر خواهد بود.

۵-۹-۵. وقف سهام

افراد خیر به میزان توانایی سهم مدرسه یا دانشگاه را خریداری و آن را وقف می‌نمایند. در ارزش‌گذاری مدرسه یا دانشگاه تنها اعیان خارجی تبدیل به سهام می‌شود تا سرمایه نقدی جزء آن حساب نگردد. مجموع ارزش مالی ساختمان، تجهیزات و زمین محاسبه شده و به سهام تبدیل می‌شود. در حقیقت خریداران بطور مشترک هر کدام سهم خود از مال موقوفه را وقف نموده‌اند. اینگونه وقف را فقهاء صحیح می‌دانند (نجفی، بی‌تا، ۳۵۷).

سهام بیانگر جزئی از دارایی مؤسسه است. بنابراین دلالت بر عین خارجی دارد (مصطفوی، ۱۴۲۳، ۸۲). مؤسسات عمومی در اختیار دولت با توزیع سهام آن و وقف آن به وسیله مردم ضمن آنکه با فروش سهام آنها مشکل درآمدی دولت را حل می‌کند و کسری بودجه را کاهش می‌دهد، با توجه به وقف همچنان این امور در خدمت عموم خواهد بود و با اموالی که در اختیار دارند می‌توانند خود را اداره کنند. دولت اگر اعیان و تجهیزات دانشگاه‌ها را به صورت سهام وقف در آورد با فروش آن سرمایه زیادی نصیب دولت می‌شود و چون دانشگاه‌ها به صورت وقف عام در می‌آید، تحت نظارت دولت به وسیله هیأت امنای اداره می‌شود.

عملکرد این اوراق سهام همانند اوراق مشارکت می‌باشد که دولت جهت اجرای طرح‌های خود توزیع می‌کند. اولاً اوراق مشارکت قابل خرید و

وقف سهام و مصوبه و کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار: یکی از آموزه‌های معنوی اسلام سنت حسنه صدقه جاریه و وقف است که در طول تاریخ تمدن اسلامی به اشکال مختلف در جوامع اسلامی جریان داشته است و بر اساس تحولات نیازها و شرایط اقتصادی هر عصر و زمانی خود را تطبیق داده و از جهت کمی و کیفی متحول شده است.

در سال‌های گذشته و پس از طرح شدن اموال اعتباری همانند اوراق بهادار و پول اعتباری. این پرسش طرح شده که آیا قادر خواهیم بود این اموال را وقف کنیم به گونه‌ای که اصل اوراق و اموال اعتباری باقی باشد و منافع اوراق برای موقوفه‌ها علیه مصرف شود؟ و در صورت جایز بودن چنین اموالی شرایط استفاده از آنها به چه صورت خواهد بود؟ آیا قادر خواهیم بود صندوق‌های مخصوصی برای این قصد طراحی نمائیم؟ اوضاع اوراق بهادار وقفی در شرایط تنزل قیمت و بازدهی به چه صورت خواهد بود؟ آیا قادر خواهیم بود این اوراق تبدیل به احسن نمائیم؟ کمیته فقهی با بررسی ابعاد موضوع وقف سهام، با توجه به جدید بودن موضوع از مراجع بزرگوار تقلید استفتا نمود. استفتا از مراجع تقلید پیرامون وقف سهام؛ متن استفتا و جواب مراجع بزرگوار تقلید به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) افراد خیر تمایل دارند قسمتی از سهام مؤسسات و واحدهای اقتصادی خود را وقف نمایند، آیا این نوع وقف از دیدگاه حضرتعالی صحیح است یا خیر؟

(۲) عده‌ای از افراد مایل هستند مقداری از پول نقد خود را در راه خیر وقف نمایند و با عنایت به تبدیل

می‌شود. حضور بخش سوم اقتصاد (وقف، صدقات، امور خیریه و...) در بازار سرمایه در صورتی امکان دارد که بتوان دارایی را تبدیل به نقدینگی و برعکس نمود (فیض، ۱۳۷۳، ۵۶).

بنابراین؛ باید برای استفاده از اوقاف در بازار سرمایه باید چند امر مورد توجه قرار گیرد: ۱. اصل موقوفه محفوظ بماند و منافع آن در جریان باشد تا اسم وقف بر آن صدق کند. ۲. بتوان از آن جهت کسب منفعت بیشتر بهره برد. ۳. سیاست‌های پولی را بر اساس آن تنظیم نمود.

۵-۹-۶. وقف مالیت شی

آیا می‌توان ارزش یک شی -نه عین آن را- وقف کرد. اگر بتوان این نوع وقف را تصحیح کرد، ارزش شی می‌تواند در قالب طلا، ارز، سهام، اوراق بهادار، اسکناس و خانه خود را نشان دهد. بنابراین عینی که ارزش آن وقف شده برای حفظ ارزش موقوفه اصلی قابل تبدیل و مبادله در بازار است و متولی و ناظر باید تلاش کند به بهترین صورت ارزش مالی موقوفه را حفظ کند (الحسینی، ۱۳۸۰، ۱۴۵).

لغائاً آن یقول در وقف مصطلح فقط عین، شرط اصلی است. وقف دلالت بر بقای عین دارد. در حالی که مالکیت قابلیت ظهور در اعیان مختلف را دارد. حسب نظر سید محمد کاظم یزدی، این نوع وقف، وقف مصطلح نیست ولی با عنایت به عدم حصر معاملات در عناوین خاص و عقلایی بودن وقف مال و عدم ردع شارع، می‌توان این نوع معامله را صحیح نمود اگر چه شامل وقف اصطلاحی قرار نگیرد (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۳۹۲).

ایجاد کند و در اساسنامه صندوق درج شود که در مواقع خاصی مانند کاهش معنادار قیمت سهام یا کاهش معنی‌دار بازدهی سهام، متناسب با مصالح صندوق اقدام لازم صورت گیرد.

البته بایستی تدبیری اندیشیده شود تا از تغییر و تحول با احتمال ضعیف و غیرمعارف اجتناب شود تا با ماهیت وقف منافات نداشته باشد. ۵. توصیه می‌شود سازمان با کارشناس علمی و تجربی سقف مشخصی برای وقف سهام هر شرکت تعیین کند تا مانعی برای نقدشوندگی پدید نیاید (فیض، ۱۳۷۳، ۹۸).

۵-۹-۷. وقف پول

پیرو تحلیل عناوینی از وقف و اثبات تحرک این نهاد با طرح وقف سهام چند مورد دیگر در باب اثبات این مدعا و نظریه‌پردازی درباره آن را ارائه می‌کنم که یکی از این مباحث، بحث وقف پول است. در گذشته پول پیچیدگی امروزی را نداشت و اصولاً وقف پول مورد تعرض فقها نبوده است مگر اینکه نقل شده است که گویا پول درهم و دینار را پول گردشی (کلی) می‌داند که بدلش جایگزین آن می‌شد (الحسینی، ۱۳۸۰، ۴۷). دکتر علیرضا فیض استاد دانشگاه تهران و دارای تحصیلات عالی حوزوی آورده‌اند که: مشکل در وقف پول زمانی است که زمانی که از پول نفع می‌بریم آن را خرج می‌کنیم، پول از بین رفته و چیزی باقی نمی‌ماند ولی باید بیان داشت که پول در گردش مالی خود به صورت کلی است و نه جزئی و شخصی.

آن به مال آن را وقف نمایند تا ارزش و اعتبار مالی آن حفظ بشود و اگر ارزش آن در حال تنزل باشد و برای حفظ و ارزش آن مال، آن را تبدیل به مال دیگری نمایند، آیا وقف مال صحیح است، باید بیان کرد که فقیه معروف مرحوم سید محمد کاظم یزدی (ره) در کتاب المعلقات علی ملحقات العروه الوثقی این نوع وقف را صحیح می‌داند.

۳) اگر وقف‌کننده در صیغه وقف شرط کند که چنانچه منافع موقوفه کاهش یابد یا فروش آن به سود باشد و یا اینکه متولی، مال موقوفه را به فروش برساند و آن را به مال دیگری تبدیل کند و دوباره آن را وقف کند، آیا چنین شرطی درست و صحیح است؟ (شهابی، ۱۳۴۳، ۸۵).

پاسخ مراجع تقلید: ۱. اکثر مراجع تقلید اصل وقف اوراق سهام و تمام اوراقی که سند دارایی عینی می‌باشند را صحیح دانسته‌اند، ولی وقف اوراقی که سند دیون یا پول نقد هستند صحیح نمی‌باشند. ۲. اگر در ضمن عقد وقف شرط که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری و وقف کند، صحیح است. ۳. با توجه به ماهیت وقف، حتی در فرض شرط تبدیل در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها نباید به احتمال ضعیف و غیرمعارف ترتیب اثر داده اقدام به تبدیل سهام وقفی نمود. ۴. سازمان بورس و اوراق بهادار با همکاری سازمان‌های مرتبط مانند سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند نهادهای مالی مناسبی مانند صندوق‌های وقفی تعریف و سبدهای از اوراق سهام خریداری و با اهداف و کاربردهای مشخص وقف،

متغیر ارتباط دو طرفه با فقر دارند. یک برنامه برای کاهش فقر باید این چهار متغیر را مخاطب خود قرار دهد و از طریق حل آنها، فقر را در جامعه کاهش دهد. اگر مردم به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و زیرساخت‌های فیزیکی دست پیدا کنند، انتظار می‌رود که فقر در جامعه کاهش یابد. از آنجا که وقف از جمله وقف نقدی می‌تواند آثار قابل ملاحظه‌ای بر هر یکی از این چهار متغیر کلیدی داشته باشد، می‌تواند ابزاری مهمی برای کاهش فقر در جامعه باشد.

سرمایه پولی وقفی جمع شده می‌تواند به حوزه‌های مرتبط با توسعه اجتماعی (به عنوان مثال کشاورزی، آموزش، بهداشت و امور زیربنایی)، برنامه‌های کاهش فقر شهری و توسعه سایر خدمات عمومی اختصاص یابد. در بعضی از کشورها صندوق وقفی به طور مؤثری فقر را کم نموده و رفاه مردم را از طریق آموزش و بهداشت، مسکن ارزان، برنامه‌های توسعه تأمین (نمازی‌فر، ۱۳۹۲، ۵۲) و... افزایش داده است.

منابع مالی کوچک به شکل وقف پول برای نیازمندان روشی برای تأمین و گسترش همان حقوق و خدمات برای خانوارهای کم درآمدی است که بسیاری از مردم جهان به طور معمول از آن حقوق برخوردارند (توسلی، ۱۳۹۴، ۲). بنابراین، وقف پول یا وقف نقدی می‌تواند توزیع درآمد در جامعه را بهبود بخشیده، بهداشت و آموزش را که جنبه‌های غیردرآمدی هستند ارتقا داده، دستیابی به منابع فیزیکی و اشتغال در جامعه را افزایش دهد

اشکالی ندارد که افرادی صدها میلیون پول خود را وقف برای نیازمندان بنمایند و این مبالغ در بانکی نگهداری تا جهت رفع مشکل مالی نیازمندان استفاده شود و به عنوان وام به آنها بدون بهره پرداخت یا اینکه در زمانی که برای آنها از قبل مشخص شده همانند آن را به بانکی عودت دهند. این وقف را عرف عقلانی می‌پذیرند زیرا مفید و برای همیشه باقی می‌ماند و هیچ مشکل شرعی (حلال و حرام) پیش نمی‌آید (فیض، ۱۳۷۳، ۱۰۶-۱۰۴).

بنابراین، برخی دیگر وقف پول را از طریق عنوان وقف مالیت و نه مال تصحیح نموده‌اند و غرض واقف در وقف مال، وقف مالیت است. موافقت یا مخالفت مشروط با وقف پول ناشی از پیچیده بودن ماهیت پول است و اصولاً سه نوع تحلیل درباره پول عرضه شده است که هر کدام اثر ویژه خود را در حکم فقهی آن دارد. نظریه ارزش اسمی نظریه قدرت خرید و نظریه مال اعتباری. هر کدام از این سه نظریه را حسب مجال این مقال تحلیل و نقد می‌کنیم.

۵-۱۰. آثار اقتصادی وقف در جامعه

۵-۱۰-۱. کاهش فقر در جامعه

فقر یک پدیده چند بعدی است که فقط شامل درآمد پایین نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های آن عبارتند از: ۱- سطح درآمد پایین در جامعه، ۲- عوامل غیردرآمدی مثل فقر بهداشت و سلامتی و نرخ سواد پایین، ۳- عدم دسترسی به فرصت‌های مثل امکانات فیزیکی، منابع و ۴- اشتغال این چهار

شرایط وام گیرنده و اینکه در چه زمینه‌ای تمایل به فعالیت اقتصادی دارد، تعیین شود.

۵-۱۰-۳. کاهش اختلاف طبقاتی

یکی دیگر از مشکلات بسیاری از کشورها، اختلاف شدید سطح درآمدی و اقتصادی است و در این حالت عدالت اجتماعی که هدف دین اسلام و بسیاری از کشورهاست دست‌خوش مخاطره می‌شوند.

تأسیس نهاد وقف پول، عامل تأثیرگذار و مهمی در جلوگیری از تجمع ثروت در جامعه و عاملی در جهت برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی است و تأثیر شگرفی در کاهش فاصله طبقاتی دارد، زیرا پول بر خلاف عمارت در دسترس همگان قرار دارد و اکثر مردم به حد وسع خود می‌توانند آن را وقف کنند، در حالی که وقف اموالی مانند زمین و خانه در توان هر کس نیست. برخی از محققان معتقدند که گسترش وقف نقدی از طریق اوراق وقف به جهت کاربردهای عام‌المنفعه، ایجاد اشتغال برای قشرهای آسیب‌پذیر و تأمین بخشی از نیازهای ضروری آنان، تأثیر قابل توجهی بر عدالت توزیعی جامعه می‌گذارد و هرچه سهم این اوراق بیشتر شود، انتظار می‌رود فاصله طبقاتی در جامعه کمتر شود (نمازی‌فر، ۱۳۹۲، ۶۵).

۵-۱۰-۴. تجمیع سرمایه کلان

همواره وقف غالباً امری فردی بوده و افراد به صورت مستقل این کار خدایسندانه را انجام می‌دهند، اما برای وقف پول این امکان می‌باشد که

در کنار وقف زمین و ساختمان، وقف نقدی نیز برای اهداف معینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وقف‌های نقدی جمع‌آوری شده برای سرمایه‌گذاری و وام دادن، می‌تواند استفاده شود. پروژه‌های هدف، توسط درآمدهای کسب شده تأمین مالی می‌شوند و باعث کاهش فقر در جامعه می‌گردند و به این صورت وقف نقدی اثرات خود را بر کاهش فقر در جامعه نمایان خواهد کرد (شیروانی، ۱۳۹۹، ۲۱).

۵-۱۰-۲. افزایش اشتغال

اشتغال یکی از اهداف کلان اقتصادی است و ارتقای آن به سطوح نزدیک است به اشتغال کامل از دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی و دولت‌ها بوده است. برقراری وقف پول از طریق ایجاد صندوق یا بانک وقف پول بدون بهره امکان‌پذیر است. بنابراین عدم وجود نرخ بهره در این نوع استقراض می‌تواند درصد موفقیت ایجاد شغل را افزایش داده، ریسک ورشکستگی وام گیرنده و در عین حال فشار تورمی را کاهش دهد.

از آنجا که وام گیرنده هدف اصلی در کسب کار خود را سود می‌بیند، بنابراین صندوق یا بانک وقف پول از این بابت که اصل پول را به همراه بخشی از سود، که حاصل فعالیت اقتصادی فرد قرض گیرنده است، دریافت می‌کند، احساس نگرانی نخواهد کرد. با توجه به اینکه وقف پول مانند سایر اقسام وقف در جهت اهداف خیرخواهانه است و دنبال کسب سود نیست مگر بابت جبران تورم، لذا اقساط پول قرض داده شده از وجوه وقفی می‌تواند بر اساس

منافع آن جهت غیر نمی‌باشد. محل استفاده صندوق‌های قرض‌الحسنه خاص به شرح ذیل می‌باشد:

۱) **صندوق وقف قرض‌الحسنه درمان:** این صندوق در مراکز درمانی، بیمارستان و درمانگاه و در بخش مددجویی می‌باشد و هدف از تأسیس آن کمک و یاری به بیمارانی است که مشکل اقتصادی و مالی جهت دوره درمان دارند. با شکل‌گیری چنین صندوق‌هایی دیگر هیچ بیماری به علت مشکلات اقتصادی در مراکز درمانی با عدم پذیرش روبرو نخواهد شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۳).

۲) **صندوق وقف قرض‌الحسنه ازدواج:** این صندوق جهت رفاه حال جوانانی که در آستان ازدواج و نیازمند کمک مالی هستند که به صورت وام‌های قرض‌الحسنه به آنها اعطاء می‌شود.

۳) **صندوق وقف قرض‌الحسنه کارکنان:** شاغلین هر اداره یا شرکت قادر خواهند بود با تأسیس صندوق وقف قرض‌الحسنه در مواقع ضرورت به نیازمندان کمک نمایند. این کمک به وسیله قرض پول وقف شده کارمندان امکان‌پذیر خواهد بود (همان، ۳۷).

۵-۱۰-۲. صندوق‌های وقف قرض‌الحسنه عام

برخی بدون ذکر قصد خاص خود برای قرض، مبالغی از پول خود را جهت وقف در نظر می‌گیرند. و لازمه تأسیس چنین صندوقی عنوان (وقف قرض‌الحسنه عام) می‌باشد. اعطاء پول و کمک خیرین این صندوق به افراد نیازمند عمومی خواهد

وقف از طریق صندوق وقفی به صورت کلی در آید و از حالت فردی خارج گردد، فواید این نوع وقف بسیار زیاد می‌باشد (نقاسی، ۱۴۳۰؛ لیبا، ۱۹۹۹، ۷). زیرا اولاً: باعث حجم زیادی از وجوه جمع می‌شود که می‌تواند در رفع مشکلات بسیار مؤثر باشد. ثانیاً: به صورت حرفه‌ای سرمایه‌گذاری می‌شود و می‌تواند به کسب وجوه جدید برای ایجاد موقوفات جدید و در نتیجه تأمین بهتر نظر واقفان منجر شود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای وقف پول در فقه اسلامی، امکان تأسیس همین صندوق‌های وقفی، جهت تقویت روحیه مشارکت اجتماعی است.

۵-۱۰-۵. نقش صندوق وقف قرض‌الحسنه در اقتصاد جامعه

در این صندوق نیازمندان مبالغی پول را وقف می‌نمایند که جهت ادای قرض به نیازمندان می‌باشد. از مزایای این نوع وقف می‌توان بیان کرد که: کمک به بیماران، جوانان و افرادی که شرایط اقتصادی نامناسبی دارند، با قرض دادن مبالغی پول به آنها کمک می‌کنند. این در حالی است که با بازپرداخت و عودت قرض، اصل خود پول وقف شده در صندوق باقی است. اشکال مختلف این صندوق‌های وقف قرض‌الحسنه در جامعه وجود دارد.

۵-۱۰-۱. **صندوق وقف قرض‌الحسنه خاص**
از خصوصیات بارز این صندوق‌ها این است که به افراد خاصی پول قرض می‌دهند و امکان استفاده از

او ورثه حق بازگشت به وجوه موقوفه را دارند. البته ریسک سوءاستفاده از وجوه همچنان وجود دارد که برای کاهش این ریسک، هیأت نظارت شرعی و کمیته اجرای نیت واقفان طراحی شده است (توسلی، ۱۳۹۴، ۶۸).

۶. نتیجه‌گیری

وقف عقدی است که در آن مالی بخشیده می‌شود تا مردم یا گروهی از آنان از منافعش استفاده کنند. در وقف، نه واقف و نه آنها که برایشان وقف شده، حق فروش یا بخشیدن مال وقفی را ندارند و بدین صورت وقف به عنوان میراثی جاودانه در بین مردم جامعه رواج خواهد یافت. اعمال حقوقی شامل دو دسته عقد و ایقاع می‌باشند، در بین فقها درباره ماهیت حقوقی وقف از این حیث که عقد یا ایقاع است، اختلاف نظر وجود دارد: ۱. وقف (عام - خاص) با اعلام اراده واقف و بدون نیاز به قبول واقع می‌شود؛ ۲. وقف خاص به قبول نیاز دارد، ولی در وقف عام، قبول لازم نیست؛ ۳. در وقف عام و خاص، قبول شرط است. ق.م ایران مبتنی بر نظر اخیر است. درباره مالکیت مال موقوفه، برخی فقها واقف را مالک، برخی عین موقوفه را متعلق به موقوفه علیه/علیهم و بعضی هم خدا را مالک مال موقوفه می‌دانند. با مطالعه ماهیت حقوقی وقف و وضعیت مالکیت مال موقوفه، می‌توان به این نتیجه رسید که: ۱. وقف، عقد است و ایقاع نمی‌باشد ۲. با تثبیت وقف، شخصیت حقوقی جدیدی شکل می‌گیرد که مالک مال موقوفه می‌باشد. بنابراین در قانون مدنی و فقه امامیه هر دو با هم در این نظر مشترک

بود و شامل تمام افراد می‌شود. جهت حفظ ارزش اعتباری پول و بقای کار خیر وقف‌کنندگان و احیای سنت وقف طبق عرف معمول باید از مقروض درخواست نمود تا مقداری پول را جهت تقویت و ترمیم موجودی صندوق، به صورت هبه یا وقف، به اصل قرض اضافه نمود تا هنگام پرداخت قرض از ارزش پول کاسته نشود. هادوی نیا در خصوص این روش می‌گوید: (اگر در هنگام قرض، قرض‌دهنده جنسی را به عنوان کالای ضابطه مشخص نماید، بدین صورت که بیان کند من ۲۰۰ هزار تومان جهت ارزش پولی که قرض گرفته، به صندوق عودت می‌دهم، این نوع پرداختی، ربوی نمی‌باشد (هادوی نیا، ۱۳۹۵، ۱۵).

مساعدت بانک مرکزی؛ سازمان اتکا؛ سایر مؤسسات دولتی و غیردولتی هم قادر خواهند بود از هزینه‌های اداره صندوق کم نمایند. عمل مردم در این گونه صندوق‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۵-۱۰-۵-۳. صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف

در این صندوق خیرین واقف، وجوه خود را وقف می‌کنند و به متولی صندوق، که همان سازمان اوقاف و امور خیریه است می‌سپارند، مدیر صندوق نیز موظف است تحت نظارت متولی (که همان سازمان اوقاف و امور خیریه است) این وجوه را مطابق با نیت واقفان، هزینه نماید. در این صندوق رابطه واقف با مال قطع شده و دیگر نه می‌تواند از نیت خود منصرف گردد و نه می‌تواند ادعای دریافت سود از مانده حساب بانکی کند و نه در صورت فوت

می‌باشند. از مطالعات به عمل آمده می‌توان ادعای صورت گرفته در مورد وقف پول را مورد پذیرش قرار داد: زیرا اولاً: دلیلی متقضی همانند استناد به اطلاقاتی مانند (الوقوف تکون علی حسب ما یوقفها اهلها) موجود می‌باشد.

ثانیاً: با ادله قوی وقف مالیت را می‌پذیریم و پذیرش وقف مالیت معادل پذیرش وقف پول است زیرا که وقف پول چیزی جز وقف مالیت نمی‌باشد. ثالثاً پذیرش شرط بقای اصل در موقوفه، دلیل عرفی قرینه‌ای بر این موضوع می‌باشد که در وقف پول اصل باقی می‌ماند و بنابراین شامل دلیل حبس الاصل و سبل الثمره می‌شود.

وقف پول در صورت تصحیح دارای کارکردهای اقتصادی زیادی همچون کاهش فقر در جامعه، ایجاد اشتغال و تجمیع سرمایه‌های کلان در جامعه خواهد بود. برای عملیاتی شدن وقف پول می‌توان از طریق بانک وقف پول، صندوق وقف قرض الحسنه و صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف اقدام نمود.

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مقاله به تنهایی عهده‌دار تهیه و تدوین پژوهش حاضر بوده است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- شهید ثانی، شرح اللمعة، جلد اول، قم، چاپ و نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۵.
- شیبانی، عبدالرضا، سیمای وقف در خراسان، مشهد، نشر سمت، ۱۳۸۰.
- شیروانی، علی، شرح لمعه، جلد پنجم، باب وقف، انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۹.
- صادقی، احمد، احکام وقف: در آرا و نظریات فقیه نواندیش مرحوم سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، احمد صادقی گلدر، چاپ اول، انتشارات کومه، ۱۳۸۷.
- صادقی، احمد، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، چاپ دوم، انتشارات صائن، ۱۳۸۷.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، جلد سوم، قم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲.
- علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد دوم، انتشارات المكتبة المرتضویه، ۱۴۱۱.
- فیض، علیرضا، «مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن»، میراث جاویدان، شماره هشتم، ۱۳۷۳.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- لیب، محمد، قسم الشریعه، کلیه احمد ابراهیم للحقوق، بمالزی، الجامعه الاسلامیه العالمیه، ۱۹۹۹.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، فقه المعاملات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳.
- مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ اول، انتشارات بهینه، ۱۳۹۴.
- الحسینی، هاشم، وصیت و وقف، ترجمه عزیز فیضی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
- امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- امامی، سید حسن، «وقف و مسائل پیرامون آن»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۸.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، نشر مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۰.
- توسلی، محمد اسماعیل، «امکان سنجی فقهی احیای زکات پول‌های نقد رایج کنونی»، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و ششم، ۱۳۹۴.
- جعفری لنگرودی، محمد، مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی، فقه الشریعه، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات منیر، ۱۴۲۷.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۴۵.
- ریگی، محمد بندر، فرهنگ جدید عربی - فارسی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، تهران، چاپ خانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحیا التراث العربی، بی تا.
- نقاسی، محمد ابراهیم، محاضر فی کلیه الشریعه و القانون نظام وقف النقود، ۱۴۳۰.
- نمازی فر، حسین، بررسی وقف پول با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
- هادوی نیا، پول از نگاه اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.



Endowment from the point of view of jurisprudence and law and its impact on the Iranian economy

Sara Rostami^{1*}

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 145-164

Article history:

Received: 19 Jul 2021

Edition: 23 Sep 2021

Accepted: 4 Dec 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Endowment, Rights, Ownership, Economy, Endowment Property

Corresponding Author:

Sara Rostami

Address:

Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-0672-3616

Tel:

09353919437

Email:

Mpj.rostami@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Endowment is the topics in the modern era. Its purpose dynamic endowment in society as a lasting legacy for the future in society and it has many economic functions, such as reducing poverty.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: have been observed in all stages of research writing, originality of texts, honesty and trustworthiness.

Results: Endowment is from legal acts; it requires willpower and is divided into two categories of contract and agreement and legally there is a difference: is it a contract or an agreement? About the ownership of the endowment property, some jurists know dedicator the owner, some of the same endowment belongs to the recipient of the endowment and some make God the owner of the endowment. Thus; Endowment is a contract and there is no difference between Iranian civil law and jurisprudence.

Conclusion: endowed is from Current charity, recommended matters and one of the new issues is the endowment of stocks and money that; First: We accept the endowment of tax (money) with strong arguments. Secondly: acceptance is the main condition in the endowment. It has many economic functions Such as reducing poverty in society, creating employment and a lot of capital in society. To implement it, can be done through Loan funds and mutual funds.

Cite this article as:

Rostami S. Endowment from the point of view of jurisprudence and law and its impact on the Iranian economy. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 145-164.